

سیلاب‌های خروشان

«دلی گُر»

اسماعیل شیخلی

ترجمه محمد خلیلی

زمنیات مازید

شیخلی، اسماعیل، ۱۹۱۹-۱۹۹۶.

سیلاب‌های خروشان / نویسنده اسماعیل شیخلی؛ برگردان محمد خلیلی. - تهران: انتشارات
مازیار، ۱۳۸۲.
۵۴۴ ص.

ISBN 964-5676-40-1

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. رمان ترکی - جمهوری آذربایجان - قرن ۲۰. الف. خلیلی، محمد، ۱۳۱۶ - مترجم. ب.
عنوان.

۸۹۴/۳۶۱۳

۹۵ ش/۳۱۴ PL

س ۹۲۱ ش

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۸۲-۲۷۷۶۲

کتابخانه ملی ایران

زمتلات مازیار

مقابل دانشگاه تهران، ساختمان ۱۴۳۰، طبقه اول، پلاک ۴، تلفن ۶۴۶۲۴۲۱

سیلاب‌های خروشان

اسماعیل شیخلی

ترجمه محمد خلیلی

چاپ اول ۱۳۸۳

تیراژ ۱۲۰۰ نسخه

چاپ و صحافی دیدآور

شابک ۱ - ۴۰ - ۵۶۷۶ - ۹۶۴

اسماعیل شیخلی نویسنده نامدار جمهوری آذربایجان، به رغم داشتن آثار متعدد ادبی، متأسفانه در ایران ما ناشناخته مانده و تاکنون هیچ یک از آثارش به فارسی ترجمه و منتشر نشده است.

شیخلی در سال ۱۹۱۹ در ناحیه‌ی «قاراق» آذربایجان، در روستای «شیخلی» چشم به جهان گشود و در خانواده‌ای فرهنگی پرورش یافت. مرحله‌ی ابتدایی تحصیل را در روستای خود، و دوران دبیرستان و دانشکده‌ی تربیت معلم را به سال ۱۹۳۸ در شهر «گوری» به پایان رساند. در همان سال به «باکو» عزیمت کرد، در آن شهر به انستیتوی «فیلولوژی» وارد شد و به سال ۱۹۴۱ این دوره را نیز با موفقیت به پایان برد و مدرک علمی «نامزد علوم فیلولوژی» را کسب کرد.

این نویسنده پس از دوران تحصیل، مدتی در همان انستیتو مشغول به تدریس بود و چند سال هم در جبهه‌های جنگ کبیر میهنی، علیه فاشیسم جنگید. پس از پیروزی بر آلمان هیتلری و بعد از خاموشی شعله‌های جنگ، در ماهنامه‌ی ادبی - هنری آذربایجان، مدتی به عنوان سردبیر به کار پرداخت و یک سال نیز دبیر اول اتحادیه‌ی نویسندگان کشورش بود. شیخلی تا آخرین لحظه‌های حیات، پُرکار و به خلق آثار ادبی مشغول بود.

برخی از آثار معروف این نویسنده، عبارتند از: «جاده‌های جدایی» ۱۹۵۵ «سیلابهای خروشان» ۱۹۶۸. «مرا از دست ندهید» ۱۹۸۲. «راه‌های جبهه» ۱۹۸۵. «افعی سرخ» ۱۹۸۹. «گلونه‌ی نامرد» - مجموعه‌ی داستان - ۱۹۹۱. «مرده‌ها را در گورستان دفن کنید» ۱۹۹۲. و... کتاب حاضر، سیلاب‌های خروشان، یکی از مشهورترین آثار اسماعیل شیخلی و در عین حال، یکی از ارزشمندترین رمان‌های جمهوری آذربایجان است. شیخلی برای نوشتن این رمان بزرگ، بیش از ده سال، از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۷ وقت صرف کرده و رنج برده است. موضوع اصلی این کتاب، زندگی مردم کرانه‌های رودخانه‌ی «گر» و پیکارهایشان علیه حکومت جبار تزاری، و بر ضد ارتجاع وابسته به دولت است، که در اواخر قرن نوزدهم میلادی و در پیگام

قیام «دکابریست‌ها» جریان دارد.

نویسنده با تعدادی از قهرمانان داستان‌اش از نزدیک آشناست. «جهاندار» قهرمان اصلی داستان، پدربزرگ مادری اوست. مدرسین مرکز تربیت معلم شهر گوری و دانشجویان این مرکز نیز برای شیخلی بیگانه نیستند؛ چرا که خود او سالیانی را در آنجا و با همان اشخاص به سر برده بود. چنین است که او با نثر شیوا و شعر گونه‌اش به راحتی توانسته است از عهده‌ی شخصیت‌پردازی قهرمانانش برآید.

طنین رفتار رودخانه‌ی گر، در سراسر رمان به گوش می‌رسد. هنگام که مردم به جان آمده، علیه ستم به خشم می‌آیند، رودخانه نیز برآشفته و طغیانی است. و زمانی که مردم در آرامش نسبی بر سر می‌برند، رودخانه هم با موج‌های کوتاه و نقره‌گون خود، در زیر نسیم، به روی آنان لبخند می‌زند.

اسب نیز در رمان دارای شخصیت است! به طور مثال «قمر» اسب تیز تک جهاندار، دشمن را می‌شناسد و دوست را هم. قمر همپای سوارش با دشمنان می‌جنگد. صاحبش را از مهلکه‌های خونین می‌رهاند و صدای محاصره را در ظلمات شب می‌شنود و فاجعه را از قبل به جهاندار هشدار می‌دهد. نویسنده سه عنصر انسان، حیوان و طبیعت را به طرز بسیار دلنشینی تلفیق کرده و با زیبایی تمام به تصویر کشیده است.

منتقدانی همچون «یوری سورتسف» این رمان را - دن آرام آذربایجان - لقب داده‌اند و شیخلی را وارث اسلوب نگارش «میخائیل شولوخف» نویسنده‌ی دن آرام قلمداد کرده‌اند. با این حال، این کتاب از هر جهت فراز و فرود منطقی و خاص خود را داراست و از نظر موضوع، با اثر یاد شده متفاوت است. اگر در کجاهایی، شباهت‌هایی به اثر معروف شولوخف می‌برد، فقط از جهت صحنه‌آرایی‌های جنگی، طرز توصیف طبیعت و حضور دایمی رودخانه در سراسر داستان است. همین و بس.

این کتاب به بیش از سی زبان: «روسی، اکراینی، گرجی، مولداویایی...» ترجمه و منتشر شده و در چندین نشریه و مجله‌ی معتبر ادبی نیز به چاپ رسیده است. بر اساس این رمان فیلمی ساخته‌اند که مدت‌ها در اکران سینماها به نمایش درآمد. همچنین، نمایشنامه‌ای از روی این اثر نوشته شده و در سزون‌های مختلف تأثری بر صحنه رفته است.

در پایان یادآور می‌شوم که، عنوان این رمان در زبان اصلی «دلی گر» است. صفت «دلی» که به معنی طاغی، شورشگر و لجام‌گسیخته و طغیانی است، در زبان آذری با نام رودخانه «گر» خوش نشست و حالات رود را به خوبی القا می‌کند. اما در زبان فارسی همین

ترکیب دلپسند را، باید: گُر دیوانه، گُر عاصی یا گُر طغیانی ترجمه کرد. به دلیل نازیبایی و نارسایی این ترکیب‌ها در زبان فارسی، بهتر دیدم که نام کتاب را «سیلاب‌های خروشان» بگذارم. چرا که سیلاب‌های زندگانی مردم نیز، در پهنه‌ی روزگار، مانند سیلاب‌های رودخانه‌ی گُر، همواره طغیانی و خروشان است. امید است که نویسندگی ارجمند رمان مرا ببخشاید و خواننده گرامی هم بپذیرد.

۲-خ